

امنیت خلیج فارس در گرو همکاری منطقه‌ای است

رئیس‌جمهور در پیامی به مناسبت روز جهانی دریانوردی نوشت: تنگه هرمز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های دریایی، جایگاهی ویژه در امنیت و اقتصاد منطقه و جهان دارد. نگاه ما به این آبراه راهبردی، مسئولانه و مبتنی بر حفظ امنیت، ثبات و منافع کشورهای منطقه‌است. باور ما این است که امنیت پایدار خلیج فارس و آبراهه‌های آن، بیش از هر چیز در گرو همکاری، مسئولیت‌پذیری و نقش‌آفرینی کشورهای منطقه‌است. دکتر پزشکیان افزود: حضور مقتدرانه در پهنه‌های آبی در سالی که گذشت، گواه همت والای مردانی است که اجازه ندادند نبض شریان‌های حیاتی کشور لحظه‌ای از حرکت بازماند. جامعه دریایی کشور نشان داد هماهنگی میان دولت، بخش خصوصی و نیروهای حافظ امنیت می‌تواند موانع را از سر راه بردارد.

■ ■ ■

هشدار سرلشکر رضایی به امارات:

دست از جنگ افروزی بکشید

دبیر شورای عالی امنیت ملی و نماینده مقام معظم رهبری در این شورا در پیامی خطاب به کشورهای همسایه بیان داشت: همان‌طور که میزبانی از پایگاه‌های آمریکا برای تان امنیت نیاورده، میزبانی از «فصل غزه» هم عواقب خوبی نخواهد داشت. سرلشکر محسن رضایی در پیامی در حساب کاربری خود در شبکه ایکس به سران امارات که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مهمان ویژه‌شان بود، هشدار داد: از جنگ اخیر درس بگیرید، دست از جنگ‌افروزی بکشید و ادعاهای بی‌اساس درباره جزایر ایرانی را متوقف کنید.

■ ■ ■

سخنگوی سپاه در گفت‌وگو با روزنامه «جام‌جم»: اغتشاشگران، سرباز دشمن هستند

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حاشیه بازدید از نمایشگاه دستاوردهای تحول رسانه ملی در پاسخ به خبرنگار جام‌جم درباره تدابیر سپاه و نیروهای امنیتی برای برنامه دشمن جهت ایجاد اغتشاش و تسلیح مخالفان و به‌آشوب‌کشاندن کشور که آشکارا از سوی مقامات آمریکایی بیان می‌شود، گفت: این برنامه اولین برنامه دشمن از این دست نیست. دشمنان انقلاب سال‌های سال است که دنبال ایجاد آشوب داخلی بوده‌اند و بارها خواسته‌اند این انقلاب و این نظام را به دست آشوبگران دچار چالش کنند و به دفعات هم این را امتحان کرده‌اند؛ ما شاهدیم که از سال ۷۸ تا الان چندین بار چنین اقداماتی انجام شده و البته شکست خورده اما دشمن هنوز ناامید نشده است. ما خبر داریم که دشمن هنوز هم این گزینه را در دستورکار خودش قرار داده و از برنامه‌ریزی‌های آنها آگاهی و عملکردشان را تحت رصد داریم و هم به تناسب برنامه‌ریزی دشمن سناریوهای مقابله با این فتنه را پیش‌بینی کرده‌ایم و دشمن ما این بار در عمل خواهد دید که ما همچنان با آمادگی کامل و با سازوکارهای مؤثرتر از همیشه عمل خواهیم کرد. سردار محبی خطاب به ایادی داخلی دشمن گفت: هر فردی که علیه امنیت داخلی با دشمنان همراهی کند، دیگر به‌عنوان هم‌وطن فریب‌خورده در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان سرباز دشمن تلقی خواهد شد و این بار هم آنها به یاری خداوند دست‌خالی و پشیمان از این صحنه خارج خواهد شد.

■ ■ ■

واشنگتن پست: ایران در کانون آینده منطقه قرار گرفته است

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی درباره خروج نیروهای آمریکایی از عراق بعد از دوده نوشته این اتفاق در شرایطی انجام می‌شود که ایران با افزایش نفوذ خود بیش از گذشته در مرکز تحولات آینده منطقه قرار گرفته است. مارک کانسیان، مشاور ارشد مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، می‌گوید خروج آمریکا ممکن است موقعیت ایران را تقویت کند. به گفته کانسیان، عملیات سال ۲۰۰۳ که به سرنگونی صدام انجامید، عراق را وارد آشوب کرد و رقیب ایران در مرزهای غربی این کشور را از میان برداشت. مقام‌های آمریکایی اعلام کردند آخرین نیروهای باقیمانده به اردن منتقل شده‌اند. شان پازل، سخنگوی پنتاگون، در بیانیه‌ای که روز چهارشنبه منتشر شد، گفت خروج نیروها و تجهیزات آمریکا «نشانه گذار از یک ماهوریت ائتلافی در زمان جنگ به یک تلاش امنیتی تحت رهبری عراق» است. واشنگتن پست نوشته انتقال مجدد نیروهای آمریکایی از عراق درواشنگتن با بازتاب چندانی همراه نبوده است؛ این در حالی است که حمله سال ۲۰۰۳ به عراق هزینه‌های انسانی و مالی سنگینی برجای گذاشت که آثار آن برای نسل‌ها باقی خواهد ماند. بر اساس آمار «پروژه هزینه‌های جنگ» دانشگاه براون، از زمان حمله آمریکا به عراق تا سال ۲۰۲۲، حدود ۲۱ هزار غیرنظامی عراقی کشته شدند.

آمریکا پس از رد طرح هفت‌روزه دولت، اکنون برای بازگشت به چارچوب تفاهم اسلام‌آباد، امتیاز هسته‌ای جدید طلب می‌کند؛ این درخواست از یک‌سو زیاده‌خواهانه است، اما مسأله اصلی اینجاست که پس از خروج واشنگتن از برجام، نقض تعهدات و تجربه توافق پیشین، با کدام تضمین باید دوباره به وعده‌های آمریکا اعتماد کرد؟ مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در حالی بار دیگر در کانون تحولات دیپلماتیک قرار گرفته که واشنگتن تلاش می‌کند مسیر گفت‌وگوها را از بازگشت به یک چارچوب اجرایی برای توقف جنگ، به دریافت امتیازات تازه از تهران تغییر دهد؛ رویکردی که یک‌بار دیگر نشان می‌دهد مسأله آمریکا صرفاً دستیابی به توافق نیست، بلکه تلاش برای گرفتن حداکثر امتیاز در ازای حداقل تعهدات است. در تازه‌ترین تحول، عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، پاسخ آمریکا به طرح هفت‌روزه تهران را از طریق میانجی‌های قطری دریافت کرده است. براساس گزارش رویترز، اکنون اختلاف اصلی بیش از آن‌که به اصل مفاد طرح مربوط باشد، به ترتیب اجرای اقدامات بازمی‌گردد، یعنی واشنگتن می‌خواهد ایران پیش از برداشته‌شدن اهرم‌های فشار این کشور، درباره موضوع هسته‌ای امتیاز بدهد؛ در حالی که تهران خواهان مشاهده اقدامات ملموس آمریکا پیش از ورود به مذاکرات هسته‌ای است. این همان نقطه‌ای است که بار دیگر سابقه رفتار آمریکا در قبال ایران را به مسأله‌ای تعیین‌کننده تبدیل می‌کند.

نسخه ۷روزه اسلام‌آباد

ابتکار جدید تهران درواقع تلاش برای بازطراحی و فشرده‌کردن چارچوبی است که در تفاهم‌نامه ژوئن یا همان تفاهم اسلام‌آباد شکل گرفته بود. در تفاهم قبلی، توقف جنگ، بازگشایی تنگه هرمز، رفع محاصره آمریکا و آغاز مذاکرات هسته‌ای در یک بازه زمانی طولانی‌تر پیش‌بینی شده بود. طرح هفت‌روزه تهران، درواقع تلاش می‌کند همین روند را به جای ۶۰ روز، در هفت روز اجرا کند. براساس گزارش گاردین، ایران پیشنهاد کرده است آمریکا تحریم‌های مربوط به صادرات نفت را رفع کند، به جنگ در همه جبهه‌ها پایان دهد و بخشی از دارایی‌های مسدودشده ایران را آزاد کند؛ در مقابل، تهران طرف‌شش روز امکان بازگشایی تنگه هرمز را فراهم کرده و در روز هفتم مذاکرات درباره برنامه هسته‌ای را آغاز کند. بنابراین برخلاف تصویری که برخی محافل آمریکایی از طرح تهران ارائه می‌کنند، مسأله «فرار ایران از مذاکره هسته‌ای» نیست. اتفاقا ایران زمان آغاز مذاکرات هسته‌ای را از ۶۰ روز به روز هفتم کاهش داده است. یاتریک وینتور در گاردین نیز تفاوت اصلی طرح جدید با تفاهم ژوئن را در همین سرعت اجرای آن دانسته است. تهران می‌گوید مسأله بر سر اصل مذاکره نیست؛ بلکه در پرتوی بی‌اعتمادی‌های

شواهد نشان می‌دهد از برجام تا اسلام‌آباد و مذاکرات اخیر هر بار واشنگتن با رویکردی فریبکارانه، مطالبات جدید و زیاده‌خواهانه‌ای روی میز گذاشته است

ماروپله مذاکره



فراینده، پرسش این است که کدام طرف باید ابتدا به تعهد خود عمل کند.

واشنگتن دوباره همان نسخه را می‌خواهد

اما واکنش آمریکا نشان می‌دهد واشنگتن از همین نقطه به دنبال مطالبات زیاده‌خواهانه است. دونالد ترامپ ابتدا صراحتاً اعلام کرد پیشنهاد ایران را رد کرده است. آکسیوس در همان مقطع گزارش داد که شکاف اصلی میان دو طرف بر سر این موضوع است که ایران می‌خواهد گفت‌وگوها را بر تنگه هرمز و محاصره دریایی آمریکا متمرکز کند. در حالی که واشنگتن خواهان امتیازات هسته‌ای از تهران است. این یعنی واشنگتن عملیاتی خواهد همان منطق قدیمی «امتیاز بده، بعد شاید امتیاز بگیری» را به مذاکرات بازگرداند. در روایت آمریکا، ایران باید ابتدا درباره برنامه هسته‌ای خود اقدام کند و سپس از کاهش فشار اقتصادی برخوردار شود. از نگاه تهران، تجربه گذشته نشان داده است که واگذاری اهرم‌های فشار پیش از دریافت امتیازات ملموس، می‌تواند ایران را در موقعیتی قرار دهد که طرف مقابل پس از گرفتن امتیاز، اجرای تعهدات خود را به تأخیر بیندازد یا اساساً از آن خارج شود، ریشه این بی‌اعتمادی نیز تاریخی است.

این منطقه عادت کرده‌اند. اشتباهات آمریکایی‌ها در این مورد عمیق‌تر شده است، به خصوص با توجه به تحریکات مستمر صهیونیست‌ها و همچنین شخصیت ترامپ که حرف منطقی نمی‌پذیرد. البته فقط ترامپ نبوده و نیست که نمی‌تواند واقعیت جمهوری اسلامی ایران را بپذیرد و درک کند. برای تمام سردمداران و حتی بسیاری از کارشناسان آمریکایی سخت بوده و هست که این واقعیت را هضم و درک کنند اما نتایج این دو جنگ تحمیلی، بسیاری از آمریکایی‌ها را وارد فضای واقعیت‌کرده است و بسیاری از کارشناسان متوجه شدند ایران با سایر موارد فرق دارد. به همین دلیل نیز اشتباه محاسبه ترامپ را بسیاری از تحلیلگران نظامی و سیاسی آمریکا برنمی‌تابند و منتقد آن هستند، چراکه آثار مخرب ماجراجویی او را به خصوص در اقتصاد و وضع معیشتی مردم آمریکا و کاهش شدید محبوبیت ترامپ در داخل جامعه آمریکا را شاهدند. تا اینجا کار را با ادامه این روند، قابل پیش‌بینی است که جمهوریخواهان حداقل مجلس نمایندگان اعمال زدنست بدهند و این روند، با توجه به رویکرد ترامپ و فشارهای رژیم صهیونیستی، همچنان به سمت بدتر شدن وضعیت ادامه خواهد یافت. در

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر حسین مفکر آنوینسنده و پژوهشگر

«علی‌الاصول»، روایتی از مبانی و اصول راهبردی انقلاب در برابر ظلم و استکبار

در بیانیه مورخ ۲۸ خرداد ۱۴۰۵، رهبر معظم انقلاب، پس از اعلام خبر امضای تفاهمنامه ایران و آمریکا، عبارتی کلیدی و راهبردی را به کار بردند که در عین اختصار، مصاره چهار دهه ایستادگی انقلاب را در خود نهفته دارد: «علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم.» این گزاره، از جنس یک «موضع سیاسی مقطعی» نیست؛ بلکه متن یک بیانیه فراراهبردی و فراجغرافیایی - یعنی مکتبی اسلامی است که در آن، تمام اصول هویت‌بخش انقلاب اسلامی، در برابر نظام سلطه، بازخوانی می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید، بسط مفهوم این «علی‌الاصول» در چارچوب مبانی و اصول راهبردی مقاومت، عدالت، عزت و کرامت انسانی است. علی‌الاصول یعنی ...

- مخالفت با استکبار جهانی:** مخالفت با نظمی که در آن، قدرت چند کشور، سرنوشت میلیاردها انسان را تعیین می‌کند؛ بدون هیچ مشروعیتی جز زور نظامی و رسانه‌ای. «استکبار» نه یک شعار، که یک ساختار ناعادلانه است که استثمار، جنگ و عقب‌ماندگی را بازتولید می‌کند.
- مخالفت با صهیونیسم جهانی:** مخالفت با یک پروژه استعماری نژادپرستانه که با غصب سرزمین و نسل‌کشی فلسطینیان، وجدان بشریت را هر روز بیشتر به چالش می‌کشد و قدس شریف را به خون کودکان، مزین می‌سازد.
- مخالفت با زورگویی آمریکا:** مخالف آمریکایی که با ابزار تحریم، جنگ، کودتا و ترور، حتی به حاکمیت ملت‌های مستقل هم احترام نمی‌گذارد و حقوق بدیهی آنان را نادیده می‌گیرد.

برای قطع آنچه «آخرین راه‌های اقتصادی» ایران خواند، سخن گفت و فشار اقتصادی را مکمل فشار نظامی دانست. بنابراین اکنون واشنگتن در موقعیتی قرار گرفته که از یک سو می‌گوید آماده مذاکره است و از سوی دیگر، اهرم‌های خود را درست در آستانه مذاکره حفظ می‌کند. طبیعی است که چنین وضعیتی از نگاه تهران با مفهوم «اعتمادسازی» فاصله داشته باشد.

اسلام‌آباد: توافقی که خود ترامپ آن را دستاورد می‌دانست

نکته مهم‌تر آن است که همین تفاهم اسلام‌آباد نیز از سوی واشنگتن در ابتدا به‌عنوان یک دستاورد معرفی شده بود. کاخ سفید در ژوئن ۲۰۲۶، تفاهم با ایران را یک «شکست تاریخی» برای سیاست‌های قبلی و دستاوردی ناشی از «قدرت آمریکا» توصیف و اعلام کرده بود که این توافق هم مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌شود و هم تنگه هرمز را برای کشتیرانی باز می‌کند. اما اکنون، هنگامی که قرار است همان چارچوب به مرحله اجرا بازگردد، واشنگتن خواهان امتیازات هسته‌ای بیشتر است. این پرسش را نمی‌توان نادیده گرفت: اگر چارچوب اسلام‌آباد پذیرفتنی نبود، چرا ایران آن را پذیرفت؟ و اگر مورد قبول بود، چرا اکنون برای بازگشت به همان چارچوب، خواسته‌های جدیدی را روی میز می‌گذارد؟

هسته‌ای: پهنه یا اهرم؟

البته واشنگتن مسأله هسته‌ای را موضوع اصلی امنیتی خود معرفی می‌کند. کاخ سفید در اسناد رسمی خود بارها اعلام کرده که اجازه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را نخواهد داد. ایران می‌گوید می‌توان درباره برنامه هسته‌ای گفت‌وگو کرد اما مذاکره باید پس از ایجاد حداقلی از اعتماد و رفع بخشی از فشارها آغاز شود. آمریکا می‌گوید امتیاز هسته‌ای باید بخشی از پیش‌پرداخت بازگشت به شرایط عادی باشد. از منظر ایران، تجربه مذاکره با آمریکایک رنجبیره به هم پیوسته است: برجام، خروج آمریکا، بازگشت تحریم‌ها، فشار حداکثری، مذاکرات بعدی، جنگ، مذاکره و دوباره جنگ و تفاهم اسلام‌آباد و سپس بازگشت واشنگتن به جنگ و مطالبه امتیازات بیشتر. در چنین شرایطی، طرح هفت‌روزه تهران را نمی‌توان صرفاً یک پیشنهاد فنی درباره هرمز دانست. این طرح درواقع تلاش می‌کند مسأله اعتماد را از طریق اقدام متقابل و مرحله‌بندی شده حل کند. ایران می‌گوید اگر آمریکا واقعاً خواهان توافق است، ابتدا باید بخشی از فشارها را کاهش دهد؛ در مقابل، تهران نیز متعهد می‌شود در یک جدول زمانی مشخص، هرمز را بازگشایی کرده و از روز هفتم، مذاکرات هسته‌ای را آغاز کند. واشنگتن اما می‌خواهد ابتدا از تهران امتیاز هسته‌ای بگیرد و سپس درباره رفع فشار تصمیم بگیرد. تجربه برجام نشان داد که اعضای یک توافق به‌تنهایی برای مصون ماندن از تغییر سیاست واشنگتن کافی نیست. تفاهم اسلام‌آباد نیز ثابت کرد که حتی پس از توافق، امکان بازگشت فشار توسط آمریکا وجود دارد. بنابراین، اگر قرار است مذاکره‌ای جدید شکل بگیرد، مسأله تضمین اجرای تعهدات آمریکایی‌تواند به حاشیه رانده شود.

است در کل کشور در صحنه، محکم و استوار ایستاده‌اند. خوداین عوامل قطعاً در محاسبات دشمنان ما تأثیرگذار است. بنابراین امیدواریم ان‌شاءالله با این اقتدار که نظام جمهوری اسلامی ایران از خود نشان داده است، شاهد عقب‌نشینی آمریکایی‌ها باشیم. درست است که آمریکایی‌ها پیشنهادهای اخیر ایران را نیز نپذیرفتند، ولی دیر یا زود باید این واقعیت‌ها را قبول کنند، چون راه دیگری پیش‌رو ندارند. ما بیش از گذشته آماده دفاع مشروع در مقابل هرگونه خطای دیگر آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه هستیم. با توجه به تحولاتی که شاهدیم، احتمال این که آمریکا بخواهد جنگ دیگری را آغاز کند، باید گفت علی‌الاصول، تا قبل از انتخابات، چون این اقدام وضعیت آنها را بدتر خواهد کرد، بسیار بعید است که اقدام دیگری انجام دهند اما در محاسبات جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص در بعد نظامی و آمادگی دفاعی، هرگونه احتمالی و هرگزینیه‌ای محتمل دانسته می‌شود و به همین دلیل نیز جمهوری اسلامی ایران در اوج آمادگی قرار دارد. دولت در کنار ملت، نشان داده‌تاب‌آوری لازم برای هرگونه اقدام نظامی آمریکا در آینده را به خوبی دارند.

۴. مخالفت با تجاوز و جنایت آمریکا و رژیم صهیونیستی:

مخالف هرگونه تجاوز نظامی، تروریسم دولتی و جنایت علیه بشریت که در فلسطین، لبنان، سوریه، یمن، عراق، افغانستان

و دیگر نقاط جهان، بی‌وقفه در حال رقم خوردن است.

۵. **مخالفت با مخالفان مقاومت:** مخالف هر کس و هر جریانی که خط مقاومت را «بی‌فایده» «بحران‌زا» یا «بازدارنده» پیشرفت معرفی کند. مقاومت، نه یک انتخاب تاکتیکی، که یک اصل هویتی و راهبردی انقلاب است.

۶. **عدول نکردن از حمایت فلسطین:** پشتیبانی از مردم مظلوم فلسطین، خط قرمزی است که نه با هیچ تفاهم‌نامه‌ای رنگ باخت می‌گیرد و نه با هیچ فشار سیاسی، تعدیل می‌شود. فلسطین، آرمان اول جهان اسلام است و قدس، قبله اول مسلمان.

۷. **مخالفت با نظام و ژئوپلیتیک تک‌قطبی جهانی:** مخالفت با جهانی که در آن، یک یا چند قدرت، قواعد بازی را تعیین می‌کنند و ملت‌ها، نقش‌جزی «مخاطب دستور» ندارند. ایران، پرچمدار نظم چندقطبی عادلانه است.

۸. **مخالفت با قلدری جهانی:** مخالفت با هرگونه اقدام قلدرمآنه که در آن، زور جای قانون، تهدید جای دیپلماسی و تحریم جای رقابت سالم را می‌گیرد. قلدری، روح ظلم است و انطبلا، ذاتاً ضد ظلم.

- مخالفت با مذاکره بدون دریافت خسارت:** مخالفت با این گزاره که آمریکا، پس از دهه‌ها تحریم، ترور، کودتا و جنگ اقتصادی، حق نشستن پای میز مذاکره را داشته باشد، بدون آن‌که پاسخگوی جنایات خود باشد. یا خسارت، یا مذاکره.



متن کامل را در
جام‌چم‌نابین
بخوانید